اطلاعات ۱۳۰۵
یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ ۲۶ شوال ۱۴۴۵
۵ مه ۲۰۲۴ سال نودوهشتم * شماره ۲۸۶۶۰
ettelaat.com ettelaatonline

مقاله

کنجکاوی در اسرار مردم

آیت الله العظمی جعفر سبحانی

بدگمانی و بدبینی بستر بیماری دیگری است که آن را به دنبال می‌آورد و آن کنجکاوی و تفتیش در امور داخلی و اسرار مردم است، و لذا قرآن پس از نهی از بدبینی، از این ناهنجاری نیز نهی می کند و می فرماید: «**و لا تَجَسّسوا**»؛ زیرا میان این دو یك نوع ملازمه است. بدبینی سبب می شود که انسان به کنجکاوی از امور پنهان مردم بپردازد. اتفاقاً خود این هم بستری برای بیماری سوم است که فاش ساختن رازهای مردم است. در موضوع پیشین گفته شد که اسلام برای جامعه با ایمان امنیت های چهار گانه به وجود آورده است: ۱. امنیت جانی، ۲. امنیت مالی، ۳. امنیت حیثیتی وآبرویی، ۴. امنیت شخصیت انسان در فکر و ذهن دیگران. پیامبر اکرم(ص) در یکی از سخنان جامع خود به این امنیت های چهار گانه اشاره کرده است که در بحث قبل گذشت. اینك به ضررهای اجتماعی کنجکاوی در امور مردم اشاره می شود:

۱. لطمه به آبروی مردم

یکی از ضررهای بزرگ کنجکاوی در امور مردم، این است که امنیت سوم را (محفوظ ماندن آبروی مردم) به خطر می افتد ولطمه جبران ناپذیری به حیثیت و موقعیت اجتماعی افراد وارد می سازد، آبرو و حیثیت یك فرد مؤمن که به سان جان و مال او در نزد شارع اسلام، عزیز و گرامی است، بر اثر کنجکاوی ها حیثیت وآبروی او نزد خود او و در صورت فاش ساختن و نقل آنها برای دیگران، در نزد سایرین از بین می رود و پایمال می گردد. لازمه اخوت و برادری دینی این است که مؤمن موجبات سقوط شخصیت و از بین رفتن آبرو و موقعیت برادر خود را فراهم نیاورد. امام صادق(ع) درباره افراد کنجکاو در اوضاع مردم می فرماید: «**أبعَدُ ما یَکُونُ العَبدُ مِنَ اللهِ أن یَکونَ الرّجلُ یُواخی الرجُلَ و هو یَحفِظُ زَلاتَهُ لِیُعَیِّرَهُ بِها یَوماً**»[1] دورترین حالات انسان از خدا، این است که آدمی با کسی طرح دوستی بریزد و در این بین، لغزش های وی را برای اینکه روزی او را رسوا سازد، به خاطر بسپارد.» این گناه چنان بزرگ است که فرد مرتکب در آن حال، دورترین حالت را نسبت به خدا پیدا می کند.

۲. انزوا و زدگی از اجتماع

کنجکاوی در امور شخصی مردم، نوعی پیروی از سوء ظن است و این کار در واقع عکس العمل بدبینی است و فرد کنجکاو در طول مراقبت و تجسس های خود، به عیوب و نقاط ضعف بسیاری از افراد واقف می گردد و بر اثر آن، حالت زدگی و انزوا به او دست می دهد و در حقیقت کمتر کسی را شایسته معاشرت و زندگی تشخیص می دهد و چه بسا ممکن است عیوبی از افراد به دست آورد که کوچکترین ارتباطی به معاشرت و رابطه اش با مردم ندارد؛ ولی به طرز محسوسی از اجتماعی بودن کنجکاو می کاهد و او را به انزوا و گوشه نشینی می کشاند؛ زیرا برای شخص کنجکاو که طبعاً یك فرد بدبین نیز هست، در این حالت تجزیه و تحلیل ممکن نیست و او نمی تواند عیوب طرف مقابل را نادیده بگیرد و نقایص و اشکالات درونی او را در رابطه خود با او بی تأثیر فرض کند.

به هر حال، یافتن انسان هایی کامل و صد درصد بی عیب، بسیار نادر و انگشت شمار است و هر فردی ممکن است با کنجکاوی هایش، به عیوب پوشیده مردم پی ببرد و بر اثر آن در خود، نوعی رمیدگی ولزوم پرهیز، احساس می نماید و در نتیجه منزوی و گوشه گیر شوند و نتوانند مبدأ آثار سازنده ای در اجتماع باشند.

۳. سلب آزادی

یکی از بزرگ ترین نعمت ها، داشتن آزادی در نحوه فعالیت هاست. اسلام با «اصل نظارت عمومی» و گماردن مأموران نظارت، آزادی بشر را در انظار عمومی به طرز صحیحی در قلمرو عقل و شرع محدود نموده و آزادی در اجتماع را در چهارچوب این دو محدود ساخته است و مسلمان در اجتماع تا آنجا آزاد است که به سعادت خود و دیگران لطمه نزند و حرامی مرتکب نشود وواجبی را ترك نکند. اسلام آزادی درونی افراد را با گماردن پاسبان درونی و برقرار ساختن حکومت ایمان، محدود و مهار نموده است، ولی یك رشته کارهاست که ارتکابشان از نظر عقل مانعی ندارد و شرع، آنها را مباح یا مکروه شمرده است؛ ولی باز انسان این گونه امور را در انظار مردم انجام نمی دهد و راضی نمی شود که دیگران از انجام دادن آن آگاه شوند. اگر بنا شود که دیگران تمام خصوصیات زندگی انسان را تحت مراقبت بیاورند، لذت زندگی و لطف آن که در آزادی عمل در نهان و درون است، از بین می رود.

پیامدهای ناگوار یادشده موجب گردیده است که افراد کنجکاو در امور شخصی مردم، به فرموده پیامبر(ص) مسلمان حقیقی محسوب نشوند: «**یا مَعشَرَ مَن أسلَمَ بِلِسانِهِ ولَم یَخلُصِ الإیمانُ الی قَلبِهِ! لا تَذُمّوا المُسلِمینَ و لا تَتبِعُوا عَوراتِهِم**:[2] ای کسانی که به زبان مؤمن هستید و در دل ایمان ندارید! مسلمانان را بد مگویید و از عیوبشان تجسس و کنجکاوی مکنید».

البته اسلام اگرچه جلو کنجکاوی های مضر و ناسودمند را گرفته، ولی در موارد استثنایی که اساس کار و بقای حیات اجتماعی بر روشن شدن خصوصیات زندگی واسرار داخلی شخص بستگی دارد، اجازه داده است که درباره این امور تحقیق شود؛ مثلاً دختر و پسری که می خواهند پیوند زناشویی ببندند، یا دو بازرگانی که می خواهند درباره موضوعی مشترکاً سرمایه گذاری نمایند و...، باید از روحیات و خصوصیات زندگی همدیگر ـ تا آنجا که به کار و تصمیم شان مربوط است ـ آگاه باشند، و گرنه دیری نمی پاید که از کار خود پشیمان می شوند و مفاسد فراوانی به بار آید. بنابراین افرادی که در این موارد با آنها مشورت می شود، باید حقیقت را بی پرده بگویند و آنان را به حقیقت امر واقف سازند و به مضمون «**المُستَشارُ مؤتمن**»، شخصی که با او مشورت می شود، باید برای یك سلسله مصالح عالی خصوصیات درونی، مطالب مورد مشورت را بازگو کند.

پی نوشت ها:

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۵۵.//۲ـ بحار، ج ۷۵، ص ۲۱۴.

معاصر شدن با کتاب قدسی

دکتر سیدحسین نصر و جمعی از محققان تفسیر قرآنی به زبان انگلیسی نوشته اند که با استقبال چشمگیر علاقه مندان مواجه شده است. همکار کوشا و دانشورمان آقای دکتر رحمتی این کتاب را با تحقیقات گسترده و افزوده های بسیار به فارسی ترجمه کرده اند که آن نیز با استقبال گرم خوانندگان مواجه شده است. آنچه در پی می آید، سخنرانی ایشان درباره همین کتاب است که به همت دکتر ساسان یغمایی تدوین و تنظیم شده است.

دکتر انشاءالله رحمتی

سردبیر اطلاعات حکمت و معرفت

مقاله تفسیری

علاوه بر پیشگفتار دکتر نصر بر کتاب «تفسیر معاصرانهٔ قرآن کریم»، بنده در مقام مترجم نیز دو پیشگفتار بر آن نوشته ام: یکی برای جلد نخست و دیگری پس از انتشار جلدهای اول و دوم و بر اساس بحثها و نقدهایی که بر تفسیر و ترجمه و حتی بر عنوان فارسی آن صورت گرفت، برای جلد سوم که در آن به پرسش ها و نقدها پاسخ داده ایم؛ از جمله، دلایل افزودن لغت «معاصرانه» به عنوان این تفسیر بیان شده است. از نظر مترجم، عنوان Quran The Study «شناخت قرآن یا مطالعه قرآن» که برای این تفسیر انتخاب شده، مقصود از کاری را که در این اثر انجام شده، نمی رساند. مهمترین نکته ای که این تفسیر بر آن تأکید می کند، آن است که چگونه می توانیم با این «کتاب» معاصر شویم، این بزرگترین کاری است که امروزه درباره قرآن می شود کرد.

«معاصر شدن با متن قدسی» به دو معنا در مدنظر است: یک معنا در متنی است که دکتر نصر و همکارانشان نوشته اند. از آنجا که سطح مخاطب فارسی با مخاطب غربی متفاوت است و متن اصلی برای مخاطب غربی تألیف شده، این پرسش به ذهن خطور می کند که: با توجه به این همه تفسیر عرفانی و فلسفی و آثار ادبی مانند اشعار شاعران ایرانی، اگر این تفسیر برای مخاطبان فارسی زبان نوشته می شد، به چه صورت درمی آمد؟ بنابراین مخاطب فارسی زبان این کتاب توقعش می تواند بیش از اینها باشد. از این رو مترجم کوشید این تفاسیر و متون غیر تفسیری را پس از مطالعه، بررسی و انتخاب بخشهای مرتبط با متن تفسیر، در پایان تفسیر هر سوره زیر عنوان «افزوده های مترجم» بیاورد و به کتاب بیفزاید. هدف از این تلاش صرفاً این نبوده که یک اثر تحقیقی درباره قرآن عرضه شود. گرچه تمام ویژگی های تحقیق رعایت شده است و خود دکتر نصر و همکارانشان به این موارد تسلط داشته اند؛ ولی برای آنها این موضوع مطرح بود که قرآن، کتاب هدایت معرفی شود و البته اگر بخواهد کتاب هدایت باشد، باید ابتدا «همزمانی» یا به تعبیر دیگر «معاصرانگی» اتفاق بیفتد؛ به این منظور که ما با قرآن، معاصر شویم یا قرآن با ما معاصر شود؛ یعنی برای امروزِ شخص باید کتاب هدایت باشد.

دو گونه معنای معاصرانگی

الف) معنای آفاقی: وقتی گفته می شود معاصرانه، یک معنایش آفاقی است؛ یعنی همین زمان حال که در آن زندگی می کنیم و دوره ای که در آن به سر می بریم، مقطعی از قرن بیست و یکم. آیا قرآن برای انسانی که در این قرن زندگی می کند و به دنبال هدایت است، حرفی برای گفتن دارد؟ به این معنا سعی شده است مجموع کار معاصرانه باشد. با توجه به این نکته که ما در دورانی قرار گرفته ایم که مدرنیسم بر جوانب مختلف زندگی حاکم است.

موضع دکتر نصر و موضع این تفسیر، سنت گرایانه است، «سنت گرایی» با مدرنیسم (تجدد) مخالف است؛ ولی این مخالفت، احساسی و عاطفی نیست، یعنی چنین نیست که من از آن خوشم نمی آید و نمی پسندم. مخالفت و نقد سنت گرایانه، نقد معرفتی است؛ یعنی برای مخالفت با دنیای مدرن دلیل دارد. معنای این مخالفت آن نیست که دنیای مدرن را کنار می گذارد و هیچ چیز خوبی در آن نمی بیند، بلکه واقعیت دنیای مدرن را می پذیرد و می فهمد؛ کانت و دکارت را می شناسد، تحولات روی داده در حوزه علم را می شناسد، تکنولوژی را می شناسد؛ ولی وقتی می پرسیم: «آیا این اتفاق ها که پیش آمده، حق هم هستند؟» سنت گرا می گوید: من در حق بودنشان ایراد دارم. در حالی که می داند دوران مدرن واقعیت بسیاری از مسائل را برای ما برجسته کرده و بسیاری از مباحث را مطرح نموده که در گذشته وجود نداشته است.

ممکن است در تفسیرهای دیگر هم نسبت به علم جدید و فلسفه جدید واکنش نشان بدهند، ولی غالباً مبتنی بر نظریه نیستند؛ یعنی چنین نیست که موضعشان راجع به مدرنیسم، کاملاً مشخص باشد و بگویند که ماهیت علم جدید چیست. این گونه که فلسفه علم جدید و فلسفه علم تجربی را می دانند و بر اساس آن، نظر قرآن را راجع به علم بیان می کنند، در واقع تفسیرهای راجع به علم را درباره اش تصمیم می گیرند.

اما در این تفسیر، توجه به واقعیت دنیای مدرن وجود دارد و بنابراین سعی شده است که پاسخ یا واکنشی بر اساس قرآن و تفاسیر اصیلش به واقعیت های دنیای دوران جدید باشد. این موارد انتخاب و تنظیم شدند، درباره شان نظریه پردازی شده و در ذیل هر آیه آمده اند. یک بخش از آن، بحث «قرآن و علم جدید» است؛ اما این کار هیچ گاه شتابزده انجام نگرفت؛ برای مثال قرآن پر است از ذکر معجزات علمی که دانشمندان در قرنهای بعد فهمیده اند. این نظریات علمی اینجا پیش بینی شده آمده، به این توجه دارند، چون ماهیت علم جدید را می شناسند. خود فیلسوفان علم هم معتقدند اینها امور تعیینی نیستند، یک رشته پارادایم هایی هستند که کمک می کنند تا بتوانیم سیر طبیعت را پیش بینی کنیم. امروز این نظریه حاکم است، فردا نظریه دیگری حاکم می شود. مگر پوپر نمی گوید: «شرط علمی بودن، ابطال پذیر بودن است»؟ دانشی که ذاتش ابطال پذیری است، قرآن را به عنوان حقیقت ثابت و جاودانه و بر اساس آن تفسیر می کند؟ بنابراین به این نکته توجه دارند. به چند نمونه از مسائل امروزین اشاره کنیم:

برای مثال در مباحث زیست محیطی، قرآن باید بتواند زندگی ما را تدبیر کند. درسهای زیست محیطی که می شود از قرآن گرفت، چیست؟ قرآن چگونه می تواند رابطه ما را با طبیعت یا حیوانات تأمین کند. این واقعیت دنیای ماست که سنت گرایان به آن توجه دارند، ولی این تفسیر نمی خواهد از طریق فلسفه محیط زیست به معنایی که امروزه فیلسوفان می گویند، این گونه آیات را تفسیر کند، بلکه این موضوع مطرح می شود که از متن قرآن و تفاسیر اصیلش چه به دست می آید؟

مثلاً در مباحث مربوط به هنر و زیبایی شناسی، این موضوع مطرح می شود که: از قرآن چه نظریه ای درباره هنر می توان استنباط کرد؟ برای نمونه نظریه قرآن درباره موسیقی چیست؟ نه صرفاً از لحاظ فقهی، بلکه نظریه حکمی قرآن چیست؟ حقیقت موسیقی چیست؟ مثال دیگر در مقوله اخلاق، حقوق بشر و جامعه است. از این رو یک جستار در پایان تفسیر آمده است که نظر قرآن را در آن موارد جمع بندی می کند. در تفاسیر دیگر چنین بحثهایی وجود ندارد، مثلاً بحث موضع قرآن درباره حقوق بشر به معنای امروزین این کلمه، یا بحث حقوق زنان، در صورتی که در این تفسیر خیلی به این مسائل توجه دارند، در عین حالی که قرآن را تفسیر فمنیستی نمی کنند، ولی این که ممکن است موارد بسیاری باشد که از آیات قرآن یا از تفاسیر، نابرابری میان زن و مرد استنباط شود، برخی تفاسیر هیچ ابایی از این برداشت ندارند. دنیای مدرن ما را به طور جدی با این مسئله مواجه کرده است که زن و مرد با هم برابرند و نویسندگان این تفسیر به این نکته توجه کرده اند و بر اساس مبانی فلسفی و حکمی سنت ما، این موضوع را تبیین می کنند که اینجا نابرابری وجود ندارد و اگر تفاوت هایی هست، حکمت آن تفاوت ها را توضیح می دهند.

مثال دیگر بحث تاریخ قدسی و سایر ادیان است. برای دیگر مفسران کمتر این بحث مطرح بوده، به طوری که تفسیرشان بر قرآن، تفسیری برای تأیید فرقهٔ ناجیه است؛ یعنی مذهب خود را حق می داند و مذاهب دیگر را به نوعی ذیل مذهب خود تعریف می کند. و کمتر مسئلهٔ تعدد ادیان و پلورالیسم دینی مطرح بوده است؛ ولی در این تفسیر این مسائل مطرح است، هم در مواجههٔ اسلام با ادیان دیگر، و هم دربارهٔ مسیحیت و یهودیت نظریهٔ مشخصی دارد. حتی مهمتر از آن ارتباط بین خودِ فرَق و مذاهب مسلمانان است. بسیار آگاهانه و هوشمندانه مباحث به گونه ای پیش رفته اند که می شود گفت این تفسیر نوعی اساس وحدت تشیع و تسنن را پی ریزی می کند و اتفاقاً بعد از انتشار ترجمه این کتاب، به نظر می رسد مناطق سنی نشین ایران، توجهشان به این تفسیر بیشتر از شیعیان بوده است، در حالی که می دانند سرویراستار و مترجم این تفسیر شیعه اند. نویسندگان این تفسیر به این واقعیت توجه دارند که امروز جهان اسلام نیازمند وحدت است و کاملاً به آتش خانمان براندازی که بنیادگرایی به خانه های مسلمانان افکنده، عالمانه و دلسوزانه توجه کرده اند.

این معنای اول از معاصر شدن با قرآن به معنای آفاقی کلمه است، یعنی در همین دنیا ما بتوانیم با قرآن معاصر شویم. سپس یک سؤال پیش می آید که: اگر زمانه عوض شد و مثلاً صد سال یا پنجاه سال دیگر باز هم این تفسیر و این مواجههٔ با قرآن می تواند معاصرانه باشد؟ آن موقع که دیگر معاصرانه نیست و همه چیز عوض شده است.

ب) معنای انفسی

معاصرانگی به معنای اول (آفاقی) ذیل یک معاصرانگی به معنای دیگری است و آن معاصرانگی با قرآن در زمان «انفسی» است؛ یعنی قرآن نازل نشده برای اینکه صرفاً مشکل زمانهٔ ما را حل کند، بلکه می خواهد مشکل وجودی ما را حل کند و ما را به آدم دیگری تبدیل کند. در مسیحیت این بحث مطرح می شود که کتاب مقدس نیامده بگوید آسمان ها چگونه می روند، (منظور بحث در نجوم است که هیئت بطلمیوسی باطل شده)، بلکه کتاب مقدس آمده بگوید که چگونه می شود به آسمان ها رفت، و این نکته دقیقی است. قرآن برای این نازل نشده که بگوید آسمان ها چگونه می روند، گرچه این مهم است، ولی می گوید شما تا ندانید چگونه به آسمان بروید، نمی توانید در دنیا هم برای خودتان کاری کنید. شما باید ابتدا آسمان جان خودتان را اصلاح وآباد کنید تا بعد بتوانید آسمان جهان را آباد کنید.

این کاری است که فقط پیامبران می توانستند انجام دهند، این عملی است که فقط وحی می تواند انجام دهد. به همین دلیل است که فیلسوفان بزرگی مثل ابن سینا استدلال می کنند که بدون دین، ما نمی توانیم حتی دنیای خودمان را هم بسازیم؛ یعنی برهان اجتماعی ابن سینا که برای اثبات نبوت بیان می کند، استدلالش این است که: دنیا را بدون دین نمی توان ساخت. بدون اینکه ما راههای آسمان را بشناسیم، نمی توانیم راههای زمین را پیدا کنیم. بنابراین قرآن آمده تا به این معنا ما با قرآن معاصر شویم، وآن زمان، زمان انفسی است که قرآن درباره اش می گوید: «**انَّ یَوماً عِندَ رَبِّكَ کَألفِ سَنَةٍ مِمّا تَعُدّون**: یک روز در نزد پروردگارت به اندازهٔ هزار سال است در شمارش شما» (حج، ۴۷) یا «**یَومٍ کانَ مقدارُهُ خَمسینَ ألفَ سَنَه**: روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است» (معارج، ۴). به این معنا ما می توانیم با قرآن مواجه شویم، به همین دلیل می فرماید: «**سَنُرِیهِم آیاتِنا فی الآفاقِ و فی أنفُسِهِم حتی یَتَبَیَّنَ لَهُم أنَّهُ الحَق**» (فصلت، ۵۳). اگر می خواهید حقیقتش آشکار شود، هم باید آیات آفاقی ما را ببینید، هم آیات انفسی ما را.

نمونه ای از تفسیر انفسی

در قرن ششم ناصرخسرو قبادیانی که بینش دقیق و عمیقی دربارهٔ قرآن دارد، در مواجهه با آیه آفرینش شش روزهٔ جهان: «**اللهُ الذی خَلَقَ السَماواتِ و الأرضَ و ما بَینَهُما فی سِتّةِ أیامٍ ثُمَّ استَوی عَلی العرش**» (سجده، ۴) حرفهای شنیدنی دارد. در سفر پیدایش تورات هم آمده است که خداوند آسمان و زمین را در شش روز آفرید. ناصرخسرو دو فهم را در مقابل هم قرار می دهد: «حشویان امت (ظاهرپرستان) گفتند: آنگاه که آسمان و زمین نبود، ولیکن در اندك مدتی خدا آفرید مر این جهان را که آن به مقدار شش روز بود، آنگاه بر عرش راست شد»؛ در کتاب مقدس آمده: خدا در شش روز آسمان و زمین را آفرید و در روز آخر استراحت کرد! برخی مفسران هم گفته اند این آیه ناظر به همان چیزی است که در کتاب مقدس آمده است.

ناصرخسرو می گوید اهل تأویل گفتند: «کتاب خدا از بهر هدایت آمد، ما از در آنچه بدانیم خدای تعالی این جهان را به شش روز آفرید، هیچ هدایتی نیفزاید»؛ این که خدا در شش روز یا در هفت روز آفریده، چه هدایتی برای ما دارد؟ پس آن روزها در واقع روزهای انفسی هستند. فیلسوفان بنیاد این نظریه را فراهم کردند. چون ناصرخسرو فیلسوف بزرگ اسماعیلی است که اتفاقاً پشتوانهٔ عظیمی هم از فیلسوفان اسماعیلی دارد.

آنان گفتند آن چیزی که قرآن حکایت می کند و می گوید روی داده است، یا در تاریخ روی داده یا در فراتاریخ. یا در تاریخ ناسوتی در همین دنیا رخ داده است (مانند داستان موسی و فرعون)، یا اصلاً در این دنیا رخ نداده، مثل قصهٔ اصحاب کهف که خوابشان در این دنیا نیست؛ یا همراهی موسی و خضر(ع)، یا معراج پیامبر(ص) که به لحاظ دنیوی برای پیامبر نهایتاً چند ساعت به طول کشید و آن همه تجربه و مکاشفه روی داد. بنابراین هر چه باشد، چه تاریخ، چه فراتاریخ، اینها باید در ساحت انفسی فهمیده شود تا هدایت افزا باشند و هدایتی را برای ما به ارمغان بیاورند. باید اینها را به گوش فطرت شنید و فطرت، جاودانه است.

سه وجه فطرت

سه بحث فطرت برجسته شده است: یکی وجه اخلاقی آن. ما پیام قرآن را با فطرت اخلاقی مان می شناسیم. فطرت اخلاقی ما معتقد به جاودانگی ارزش های اخلاقی است. این ارزش ها، گرد و رنگِ زمان و مکان ندارند؛ یعنی وقتی که قرآن ما را دعوت می کند، یک پیام اخلاقی برای ما دارد؛ دیروز معاصر بود، امروز معاصر است، و همیشه معاصر خواهد بود؛ بنابراین مخاطب اینها عقل عملی ماست.

وجه دوم در جایی است که حکمت های نظری قرآن آمده است. مخاطب حکمت های نظری قرآن، عقل نظری است و باز هم عقل نظری به آن معنایی که در این تفسیر، فهمیده شده، به گونه ای که حاوی حکمت خالده (جاودان خرد) است. پس اگر چیزی را با عقل نظری فهمیدیم، آن هم جاودانه است.

و وجه سوم، پیام معنوی قرآن است که آن را هم باید با قلب و گوش جان شنید.

در تفسیر آیات باید به این سه وجه توجه کرد. دکتر نصر و همکارانش به این نکته توجه داشتند که از تفاسیر مرسوم که البته خیلی مهم هستند استفاده کنند، ولی در خیلی از مواضع از آن تفاسیر فراتر رفته اند. بنابراین کم نیست مواردی که وقتی می خواهند آیه ای را تفسیر کنند، سراغ متون غیر تفسیری رفته اند، مثلاً فتوحات و فصوص ابن عربی. یا مثلاً وقتی شراب را توضیح می دهند، بادهٔ بهشتی را بر اساس خمریهٔ ابن فارض توضیح می دهند. در بخش ترجمه و افزوده های مترجم هم این کار انجام شده است، و شاید این قسمت پررنگ تر باشد، به گونه ای که برای آن سه وجه (اخلاقی، حکمی و معنوی یا عرفانی) به منابعی مثل آثار عطار، سعدی، حافظ، جامی، شبستری و مهمتر از همه مولانا مراجعه شده که گفته اند قرآن پارسی است: مثنوی معنوی مولوی / هست قرآنی به لفظ پهلوی (شیخ بهایی).

ادامه دارد

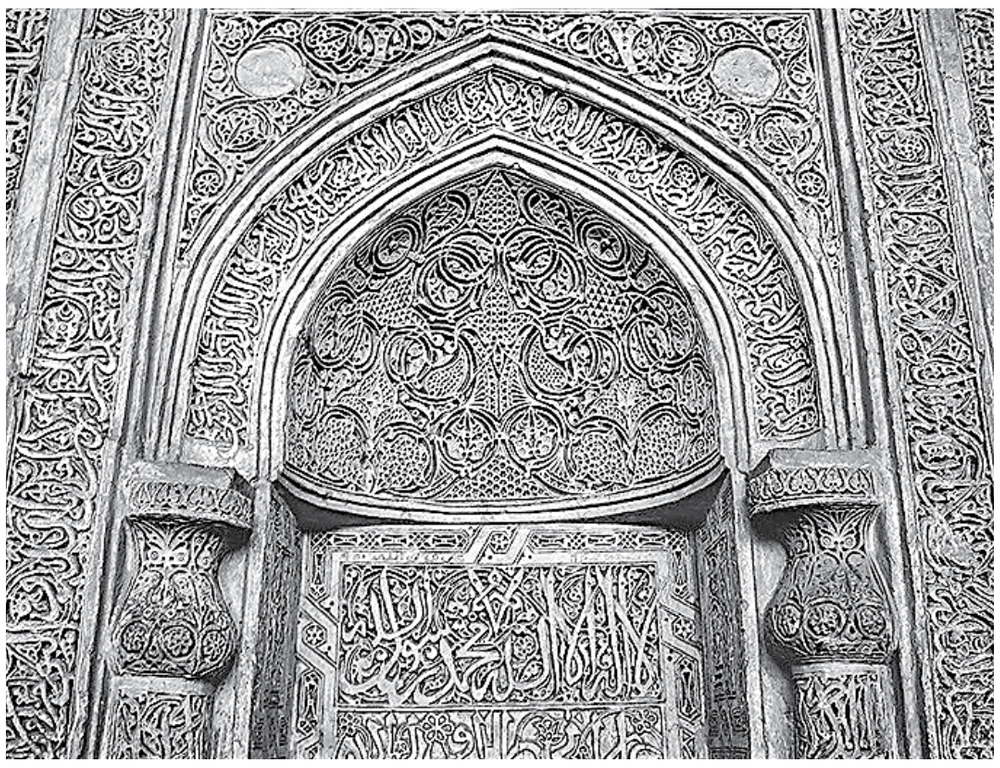

سمنان
بسطام ـ محراب آرامگاه بایزید بسطامی

قرآن نیامده که صرفاً مشکل زمانهٔ ما را حل کند، بلکه می خواهد ما را به آدم دیگری تبدیل کند. قرآن نازل نشده که بگوید آسمان ها چگونه می روند، ولی می گوید تا ندانید چگونه به آسمان بروید، نمی توانید در دنیا هم برای خودتان کاری کنید. شما باید ابتدا آسمان جان خود را اصلاح کنید تا بعد بتوانید آسمان جهان را آباد کنید. این کاری است که فقط پیامبران می توانستند انجام دهند؛ به همین دلیل است که فیلسوفان بزرگ استدلال می کنند بدون دین، ما نمی توانیم حتی دنیای خود را هم بسازیم

میرکبیر
شرکت عمران شهر جدید امیرکبیر

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای
عملیات اجرایی خط انتقال پساب از محل پکیج تصفیه خانه تا مخزن پیشنهادی ۳R طرح آبرسانی فضای سبز و سایت و سکوی پمپاژ پکیج تصفیه خانه فاضلاب شهر جدید امیر کبیر

شرکت عمران شهر جدید امیر کبیر در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله ای عملیات اجرایی خط انتقال پساب از محل پکیج تصفیه خانه تا مخزن پیشنهادی ۳R طرح آبرسانی فضای سبز و سایت و سکوی پمپاژ پکیج تصفیه خانه فاضلاب شهر جدید امیرکبیر به شماره ۲۰۰۳۰۰۱۳۴۱۰۰۰۰۰۵ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه مذکور تاریخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۶ می باشد.
مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۳,۰۹۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه:
از ساعت ۱۶ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۶ الی ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۲

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد:
ساعت ۱۶ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۳

زمان بازگشایی پاکت ها:
روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۵ ساعت ۱۰:۰۰ صبح

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت های الف:
آدرس: اراک، کیلومتر ۴۰ جاده اراک ـ سلفچگان، شهر جدید امیرکبیر
تلفن: ۳۴۰۳۷۴۶۵ـ۳۴۰۳۷۴۶۴ـ۳۴۰۳۷۴۶۳: ۰۸۶ـ داخلی ۱۴۴

اطلاعات سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس: ۰۲۱ـ۲۷۳۱۳۱۳۱
دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸ پیش شماره: ۰۲۱
اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استانها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش «ثبت نام / پروفایل تأمین کننده / مناقصه گر» موجود است.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده
شرکت خدمات بیمه ای رهنمای فردا (سهامی خاص)
بدینوسیله به استحضار کلیه سهامداران محترم شرکت خدمات بیمه ای رهنمای فردا (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۴۷۴۳۵ می رساند مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت روز یکشنبه ساعت ۱۲ ظهر مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۳۰ در محل دفتر مرکزی شرکت تشکیل می گردد. لذا از کلیه سهامداران محترم خواهشمند است در موعد یاد شده حضور به هم رسانند.
دستور جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده: ۱- انتخاب و تعیین سمت اعضاء هیئت مدیره ۲- تعیین دارندگان حق امضاء ۵- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد.
هیئت مدیره

آگهی دعوت شرکت اراسل افزار (سهامی خاص)
ثبت شده به شماره ۱۹۴۰۵۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۵۹۷۱۲
بدینوسیله از کلیه سهامداران و یا نمایندگان قانونی شرکت اراسل افزار (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۹۴۰۵۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۵۹۷۱۲ دعوت بعمل می آید که در جلسه مجمع عمومی فوق العاده که راس ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۲ واقع در میدان ونک - خیابان ملاصدرا - نرسیده به چهارراه شیخ بهایی - ساختمان سارا - پلاک ۱۳۷ - طبقه چهارم به کد پستی ۱۹۹۱۷۱۶۴۷۶ تشکیل می گردد، حضور بهم رسانند.
دستور جلسه: - انحلال شرکت - سایر مواردی که در صلاحیت مجمع شرکت باشد
هیات مدیره شرکت اراسل افزار (سهامی خاص)

اصلاحیه آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه
شرکت سرمایه گذاری گروه صنعتی ملی (سهامی عام)
ثبت شده بشماره ۱۳۵۸۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۱۵۲۱۶
بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران و یا نمایندگان قانونی شرکت سرمایه گذاری گروه صنعتی ملی می رساند دستورجلسه آگهی منتشره در روزنامه اطلاعات به شماره ۲۸۶۵۸ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۲ به شرح زیر اصلاح می گردد.
دستور جلسه:
۱- استماع گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی درخصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۲/۱۲/۲۹
۲- استماع گزارش هیات مدیره درباره عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۲/۱۲/۲۹
۳- بررسی و تصویب صورت های مالی و تقسیم سود عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۲/۱۲/۲۹
۴- انتخاب حسابرس مستقل و بازرس قانونی اصلی و علی البدل برای سال مالی ۱۴۰۳ و تعیین حق الزحمه آنان
۵- انتخاب اعضای هیات مدیره
۶- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی های شرکت
۷- تعیین پاداش و حق حضور اعضای هیات مدیره
۸- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه باشد.
هیات مدیره
شرکت سرمایه گذاری گروه صنعتی ملی (سهامی عام)

BAFT STEEL
شرکت احیاء استیل فولاد بافت (سهامی خاص)

آگهی مناقصه عمومی (یک مرحله ای)
شماره ۰۳-م-۱۴۰۳

شرکت احیاء استیل فولاد بافت به شماره ثبت ۱۶۲۳ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۰۰۰۵۸۳ در نظر دارد تأمین دستگاه اندازه گیری و آنالیز گازها و ولوهای پنوماتیکی مورد نیاز خود را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای به شرکتهای واجد شرایط واگذار نماید.
۱. مناقصه گزار: شرکت احیاء استیل فولاد بافت
۲. موضوع مناقصه: تأمین دستگاه اندازه گیری و آنالیز گازها و ولوهای پنوماتیکی شرکت احیاء استیل فولاد بافت
۳. مبلغ و نوع سپرده شرکت در مناقصه: شش میلیارد ریال
الف ـ به صورت ضمانت نامه بانکی معتبر
ب ـ وجه نقد واریز شده به شماره شبا IR۸۸۰۶۴۰۰۱۴۲۹۹۷۰۰۳۳۲۱۸۸۰۰۱ بانک گردشگری به نام شرکت احیاء استیل فولاد بافت
۴. زمان دریافت و تحویل اسناد مناقصه: تاریخ دریافت اسناد از یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۶ (ساعت ۹ الی ۱۵) لغایت چهارشنبه ۱۴۰۳/۰۲/۱۹ و مهلت تحویل پاکات تا ساعت ۱۲ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۶ خواهد بود. مناقصه گزار در رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادها در چارچوب آیین نامه معاملات داخلی مختار است. (روزهای پنجشنبه و جمعه و تعطیلات رسمی روز کاری نمی باشد.)
۵. محل دریافت اسناد مناقصه: متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد مناقصه با معرفی نامه معتبر از شرکت مربوطه و فیش واریزی به مبلغ پنج میلیون ریال به شماره شبا IR۸۸۰۶۴۰۰۱۴۲۹۹۷۰۰۳۳۲۱۸۸۰۰۱ بانک گردشگری به نام شرکت احیاء استیل فولاد بافت، به روش ذیل اقدام نمایند.
مراجعه حضوری به آدرس: تهران ـ سعادت آباد ـ بلوار مدیریت ـ بلوار فرهنگ ـ نبش کوچه نور ـ ساختمان گروه مالی و گردشگری ـ دفتر شرکت احیاء استیل فولاد بافت ـ سرکار خانم نیازاده
۶. محل تحویل اسناد مناقصه: اسناد مناقصه و پیشنهاد قیمت می بایست حداکثر تا ساعت ۱۲ روز چهارشنبه ۱۴۰۳/۰۲/۲۶ در یک پاکت لاک و مهر شده که روی آن نوشته شده باشد مربوط به (مناقصه عمومی تک مرحله ای شماره ۰۳ـ م ـ ۱۴۰۳ تأمین دستگاه اندازه گیری و آنالیز گازها و ولوهای پنوماتیکی شرکت احیا استیل فولاد بافت) به واحد دبیرخانه دفتر شرکت واقع در تهران ـ سعادت آباد ـ بلوار مدیریت ـ بلوار فرهنگ ـ نبش کوچه نور ـ ساختمان گروه مالی و گردشگری، در قبال دریافت رسید تسلیم گردد. (تحویل دبیرخانه ـ آقای رحمانی)
۷. سایر شرایط در اسناد مناقصه درج گردیده است.
۸. هزینه آگهی های مناقصه به عهده برن